

بررسی پیامدهای روانی - اجتماعی مرتبط با خشونت علیه زنان خانه دار شهر مشهد در سال ۱۳۸۸-۱۳۸۹

رحمت ا... دادور^۱

بهاره جمند^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۲۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی پیامدهای روانی - اجتماعی مرتبط با خشونت علیه زنان خانه دار شهر مشهد در سال ۱۳۸۸-۸۹ می باشد که حجم نمونه‌ی آن ۱۶۵ نفر است.

چارچوب نظری استفاده شده در این تحقیق اسناد، ویلیام گلاسرو، یادگیری اجتماعی می باشد و اعتبار آن به روش صوری و پایایی آن به کمک آلفای کرونباخ سنجیده شده است. متغیرهای مورد بررسی این پژوهش شامل افسردگی، اضطراب، بیکاری، اختلافات خانوادگی، افت تحصیلی فرزندان می باشد. روش تحقیق حاضر پیمایشی است و علاوه بر پرسشنامه در انجام این تحقیق از ابزار کتابخانه و اسناد و مدارک برای جمع آوری اطلاعات و همچنین آمار توصیفی و استنباطی و نرم افزار spss استفاده شده است.

نتایج نشان داد که بین اضطراب، افسردگی، بیکاری، اختلافات خانوادگی و افت تحصیلی فرزندان، با خشونت علیه زنان خانه دار رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: خشونت، پیامدهای روانی، پیامدهای اجتماعی

^۱ - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت E- Mail :R dadvar ۷@ yahoo. Com

^۲ - دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت E-mail:bjamand@yahoo.com

مقدمه

خانواده یکی از نخستین نهادهای اجتماعی است که فرآیند جامعه پذیری فرد در آن شکل می‌گیرد و موجب پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و هم‌چنین انتقال الگوهای روابط و تعامل از خانواده به سایر نهادهای اجتماعی است. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، اگر از خانواده‌های سالم و مطلوب برخوردار نباشد. بی‌تردید هیچ کدام از آسیب‌های اجتماعی جدا از تأثیر خانواده به وجود نمی‌آید. در این راستا، وجود خشونت در الگوهای خانوادگی موجب انتقال آن به جامعه و تداوم الگوها و رفتارهای خشن در روابط و مناسبات اجتماعی می‌گردد (کار، ۱۳۸۰: ۱۴).

خشونت علیه زنان در دو حوزه خصوصی و عمومی بر زنان اعمال می‌شود. اما در هر جامعه‌ای اشکال خشونت با ساختار قانونی، دینی و سیاسی همان جامعه متناسب است (کار، ۱۳۸۰: ۳۴).

در این تحقیق، کوشش شده است که با مطرح نمودن مبحث خشونت علیه زنان، با استفاده از نظریات و طرح فرضیات به تبیین علل و پیامدهای جبران‌ناپذیر خشونت علیه زنان پرداخته شود و پس از بررسی یافته‌ها و نتایج، در ارائه راهکارهای موثر برای مقابله با این پدیده تلاش گردد.

خشونت علیه زنان معانی متفاوتی دارد از جمله اینکه: سازمان ملل متحد خشونت علیه زنان را این‌گونه بیان نموده است که هر رفتار خشن و وابسته به جنسیتی است که موجب آسیب جنسی، جسمی، روانی و یا رنج زنان می‌شود و چنین رفتاری می‌تواند با تهدید، اجبار یا سلب مطلق اختیار و آزادی صورت گرفته و یا در جمع و یا خفا صورت گیرد. خشونت در خانواده به انواع و اقسامی تقسیم می‌شود: (۱) خشونت فیزیکی (جسمی): به هر گونه رفتار غیراجتماعی که جسم زن را مورد آزار قرار می‌دهد شامل: کتک زدن، شکنجه و قتل (۲) خشونت روانی (عاطفی): رفتار خشونت‌آمیزی که شرافت و آبرو و اعتماد به نفس زن را خدشه دار کند شامل توهین، فحاشی و... (۳) خشونت اجتماعی: در این نوع خشونت زن تحت کنترل شدید مرد قرار دارد. (۴) خشونت جنسی: به هر گونه رفتار غیراجتماعی اطلاق می‌شود شامل تجاوز جنسی شوهر، ختنه‌دستگاه تناسلی زنانه (۵) خشونت روحی - روانی: ترس و وحشت در محل کار، انتقاد ناروا، فحاشی کردن (۶) خشونت اقتصادی: اجازه ندادن به زن برای داشتن حساب پس‌انداز بانکی مستقل، گرفتن اجباری حقوق و دارایی زن.

فرض این است که خشونت علیه زنان پیامدهای منفی زیادی را برای قربانیان به بار می‌آورد که دامنه ای از مشکلات جسمانی تا روان شناختی را در برمی گیرد. پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که خشونت علیه زنان خانه دار در سازمان پزشکی قانونی مشهد در سال ۸۹-۱۳۸۸ چه پیامدهایی را به دنبال داشته است؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت تحقیق حاضر را از چند جهت می‌توان توصیف کرد. پیامدهایی که خشونت بر قربانی یعنی زنان دارد، پیامدهایی که خشونت بر نسل بعدی دارد و همچنین پیامدهایی که خشونت بر جامعه دارد. از آنجا که زنان موجب امنیت خاطر هستند و شکل‌گیری پیوندهای اخلاقی و عاطفی خانواده را بر عهده دارند و همچنین وظیفه‌ی تربیت و پرورش نسل آینده بر عهده آنهاست باید در محیطی از صلح و آرامش و احترام قرار گیرند (اعزاز، ۱۳۷۶: ۱۸).

اهمیت کاربردی تحقیق حاضر این است که می‌توان سیاست‌گذاران و مجریان جامعه را از خشونت و بد رفتاری که علیه زنان در خانواده انجام می‌شود آگاه ساخت تا سیاست‌هایی را جهت ارائه خدمات به قربانیان خشونت از قبیل: تأسیس خانه های امن زنان، تقویت نهادهای مددکاری اجتماعی، مراکز مشاوره، ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان، حمایت قانونی از قربانیان و پیگیری و برخورد با اعمال خشونت بر علیه زنان اتخاذ شود و از این طریق به کاهش بروز خشونت در خانواده، بهبود و حفظ سلامت و استحکام خانواده کمک مؤثری نمایند.

اهداف تحقیق

هدف کلی:

شناخت پیامدهای روانی - اجتماعی مرتبط با خشونت علیه زنان خانه دار در بین مراجعه کنندگان به سازمان پزشکی قانونی شهر مشهد در سال ۸۹-۱۳۸۸

اهداف جزئی:

۱- تعیین رابطه بین خشونت علیه زنان خانه دار با افسردگی.

- ۲- تعیین رابطه بین خشونت علیه زنان خانه دار با اضطراب.
- ۳- تعیین رابطه بین خشونت علیه زنان خانه دار با بیکاری.
- ۴- تعیین رابطه بین خشونت علیه زنان خانه دار با اختلافات خانوادگی.
- ۵- تعیین رابطه بین خشونت علیه زنان خانه دار با افت تحصیلی فرزندان.

سؤال‌های تحقیق

سؤال کلی :

خشونت علیه زنان خانه دار در سازمان پزشکی قانونی شهر مشهد در سال ۸۹-۱۳۸۸ چه پیامدهای روانی اجتماعی را به دنبال دارد؟

سؤال‌های جزئی:

- ۱- آیا بین خشونت علیه زنان خانه دار با افسردگی رابطه وجود دارد؟
- ۲- آیا بین خشونت علیه زنان خانه دار با اضطراب رابطه وجود دارد؟
- ۳- آیا بین خشونت علیه زنان خانه دار با بیکاری رابطه وجود دارد؟
- ۴- آیا بین خشونت علیه زنان خانه دار با اختلافات خانوادگی رابطه وجود دارد؟
- ۵- آیا بین خشونت علیه زنان خانه دار با افت تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد؟

مبانی نظری تحقیق

نظریه منابع^۳:

از دیگر نظریه های مربوط به همسر آزاری نظریه ویلیام گود^۴ است که بر مبنای «نظریه ی منابع» بلاد و ولف^۵ استوار است. گود نظریه ی منابع را برای تبیین خشونت مردان علیه زنان به کار گرفت. از نظر گود تمام نظام های اجتماعی تا اندازه ای به روز و قدرت وابسته هستند. خشونت و تهدید برای

^۳ - Resources theory

^۴ - William good

^۵ - Blood & wolf

سازمان نظام‌های اجتماعی که خانواده نیز جزئی از آن است ضروری است. او خاطر نشان می‌کند که خشونت منبعی، مثل پول و صفات فردی است که می‌تواند برای جلوگیری از اعمال ناخواسته یا اعمال رفتارهای مورد نظر به کار رود. هرچه منابع در دسترس افراد بیشتر باشد توانایی فرد برای استفاده از قدرت بیشتر می‌شود بنابراین احتمال کمتری می‌رود که از خشونت استفاده کند. خشونت بایستی به عنوان یک منبع غایی در نظر گرفته شود زیرا زمانی از آن استفاده می‌شود که سایر منابع در رسیدن به اهداف مورد نظر ناکافی اند (آندرسن^۶، ۱۹۹۷: ۶۵۵).

نظریه‌ی روانکاوی خودکشی

مهم‌ترین نظریه در بعد روانکاوی نظریه فروید است. فروید در توضیحات مربوط به غرایز، روان‌پویایی و ساز کارهای دفاعی به تبیین علل خودکشی می‌پردازد در مورد غرایز فروید به وجود دو غریزه‌ی اساسی در انسان معتقد است:

۱- غریزه‌ی زندگی که منشأ سازندگی، آفرینندگی و عشق به معنای وسیع آن است و سبب ادامه‌ی فرد و نوع بشر است.

۲- غریزه‌ی مرگ که در تخریب، ویرانگری، پرخاشگری و جنگ خود را نشان می‌دهد اگر غریزه‌ی مرگ به جهان بیرون از فرد متوجه شود سبب پرخاشگری و کشتن انسان‌های دیگر می‌شود و اگر به دنیای درون روی کند موجب خودکشی می‌گردد. بنابراین خودکشی ناشی از غریزه‌ی مرگ و در واقع پرخاشگری خودکشی درونی شده است (رینولدس^۷، ۱۹۷۷: ۱۲۴).

نظریه فرهنگ خشونت^۸

بر اساس نظریه فرهنگ خشونت که از دیگر نظریه‌های مربوط به همسر آزاری است اساس انواع گوناگون رفتارهای سوء مانند همسر آزاری، کودک آزاری و سالمند آزاری را پذیرش خشونت به وسیله جامعه تشکیل می‌دهد. بر اساس این نظریه چون در تمامی سطوح جامعه خشونت به عنوان وسیله‌ای قانونی و مشروع و منطقی برای حل مشکلات پذیرفته شده است، پس این احتمال وجود

^۶ - Anderson

^۷ - Reynolds

^۸ - culture of violence theory

دارد که برای حل مشکلات در خانه از خشونت استفاده کرده و همسر خود را مورد آزار قرار دهد. از این رو، برای متوقف ساختن همسر آزاری در متغیرهای فرهنگی جامعه که مشوق خشونت است تجدید ساختار ضروری است (ویانو،^۹ ۱۹۹۲: ۳).

نظریه‌ی درماندگی آموخته شده پترسون^{۱۰}

نظریه‌ی درماندگی آموخته شده پترسون و همکاران (۱۹۹۳)، همسر آزاری را با پدیده درماندگی آموخته شده مرتبط می‌سازند. از نظر آن‌ها زنانی که مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند بهت‌زدگی و انفعال را تجربه می‌کنند. در چنین رابطه‌ای احساس عدم کنترل و موقعیت سوءاستفاده آمیز ممکن است منجر به درماندگی آموخته شده شود. به عبارت دیگر زنی که مورد سوءاستفاده قرار گرفته است ممکن است یاد بگیرد که کوشش‌های وی برای متوقف ساختن شرایط سوءاستفاده آمیز بی‌حاصل است و هر چه او انجام بدهد نمی‌تواند مانع این رخداد شود. برخی از این نظریه‌ها ریشه در جامعه‌شناسی و برخی دیگر ریشه در روانشناسی دارند، اما هر دو قلمرو برای توضیح همسر آزاری اهمیت دارند. به نظر اشتراوس^{۱۱} همسر آزاری را نمی‌توان به وسیله‌ی عوامل روان‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی به تنهایی توضیح داد. از نظر وی ترکیبی از عوامل فردی، فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی در موقعیت‌هایی که موجب همسر آزاری می‌شوند دخیل هستند (اشتراوس، ۱۹۷۷: ۱۹۶).

نظریه نقش جنسی^{۱۲}

بر اساس این نظریه نقش جنسی زن در فرآیند اجتماعی شدن در دوران کودکی و منجر به مورد سوء استفاده قرار گرفتن در بزرگسالی پس از ازدواج می‌شود. نظریه نقش جنسی توضیحات نسبتاً ساده‌ای برای همسر آزاری دارد؛ نقشی که مردان و زنان ایفا می‌کنند مردان را در موقعیتی قرار می‌دهد که زنان را مورد سوء استفاده قرار دهند و زنان را در موقعیتی قرار می‌دهد که مورد سوء استفاده قرار گیرند، از

^۹ - vinous

^{۱۰} - Peterson

^{۱۱} - Straus

^{۱۲} - sex- Role theory

آن رو متوقف ساختن همسر آزاری مستلزم تجدید ساختار در نقش‌هایی که مردان و زنان در جامعه ایفا می‌کنند و فرآیند اجتماعی شدن که به این نقش‌ها منتهی می‌شود، می‌باشد (والکر^{۱۳}، ۱۹۷۹: ۱۰۳).

نظریه انتقال نسل‌ها^{۱۴}

این نظریه بر پایه نظریه یادگیری اجتماعی استوار است. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی مردان سوء استفاده گر از تجارب کودکی خود در خانواده یاد می‌گیرند که خشم خود را از راه‌های خشونت آمیز بیان کنند. به عبارت دیگر مردانی که به وسیله پدرانشان مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند یا شاهد مورد سوء استفاده قرار گرفتن مادرانشان به وسیله پدرانشان بوده‌اند به احتمال زیاد همسر یا فرزندان خود را مورد سوء استفاده قرار خواهند داد بنا به نظریه انتقال بین نسل‌ها، سوء رفتار از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. در نتیجه آن‌هایی که متعلق به خانواده‌هایی هستند که در آن‌ها خشونت یک وسیله پذیرفته شده برای حل مشکلات است، احتمال بیشتری دارد که در حل مسائل در خانواده ای تحمیل خواهند داد از خشونت استفاده کنند و این خشونت را به نسل‌های بعد انتقال دهند. متوقف ساختن سوء رفتار مستلزم پیشگیری از تنبیه جسمی و روانی و پیشگیری از تنبیه جسمی و روانی و پیشگیری از خشونت بین فردی است (جانستون^{۱۵}، ۱۹۸۸: ۱۰۳).

نظریه آرون بک^{۱۶}

بک، شناخت‌های نادرست را منشأ به ویژه افسردگی تلقی می‌کند. شناخت غلط سبب نقص دو سویه ای در فرد می‌شود او از یکسو مسائل و مشکلات را به طور اغراق آمیزی برای خود مهیب و طاقت فرسا ترسیم می‌کند و از سوی دیگر خود را فردی بازنده و پایمال شده تلقی می‌نماید. به این ترتیب چنان در مهابت تصنعی مسائل خود گرفتار می‌شود که جز عجز، و متوجه کردن تیغ سرزنش و بی کفایتی به سوی خود واکنش دیگری نشان نمی‌دهد، ذهن فرد در اثر این نوع شناخت از مسائل به نوعی خرفتی و محدودیت در بینش دچار می‌شود. همان طور که گفته شد دیدگاه بک بیشتر در حوزه

^{۱۳} - walker

^{۱۴} - the intergenerational transmission theory

^{۱۵} - Johnston

^{۱۶} - Aurin beck

مطالعه‌ی افسردگی ارائه شده است اما در حوزه‌ی اختلالات اضطرابی نیز چنین اشکالی از شناخت به وضوح قابل مشاهده است (نوردبی و کالوبن^{۱۷}، ۱۳۷۷: ۱۱۷).

نظریه روان پویشی (فروید - آبراهام)^{۱۸}

مطالعه روان شناختی افسردگی توسط زیگموند فروید و کارل آبراهام آغاز شد. هر دو افسردگی واکنش پیچیده در قبال از دست دادن چیزی توصیف کردند.

فروید در اثر بزرگش در مورد افسردگی تحت عنوان (سوگواری و مالیخولیا) هم سوگواری طبیعی و هم مالیخولیا (افسردگی) را پاسخ‌هایی به از دست دادن شخص یا چیز مورد علاقه توصیف کرد. فرد مبتلا به مالیخولیا بر خلاف فرد سوگوار از خود کم بینی فوق‌العاده و عجز در خود خویش در مقیاسی کلی رنج می‌برد (شولتز، ۱۳۷۵: ۲۴۴).

افسردگی نخستین اختلال توصیف شده توسط فروید بود که در آن به جای میل جنسی، عواطف به عنوان عامل علی مرکزی مطرح بود. مالیخولیا به زعم فروید ۵ اندوهی افراطی، مشوش کننده، ممتد و غالباً نامربوط به محیط و ظاهراً بی‌مورد بود. فروید معتقد بود شخص افسرده وجدان به وجود می‌آورد تأکید می‌کرد وی فکر می‌کرد علت اینکه وجدان تا این اندازه قوی می‌شود و به دیگران آسیب برساند (شولتز، ۱۳۷۵: ۱۸۷).

یکی از زمینه‌های تاریخی افسردگی اختلالی است در روابط اوایل کودکی. این اختلال ممکن است به علت از دست دادن واقعی والد یا فقدان خیالی از این نوع باشد. این فقدان اولیه به خاطر کیفیت اضطراب زایی آن از حیطه هشیاری بیرون رانده می‌شود. مع‌هذا این فقدان واپس زده شده به اعمال نفوذ خود ادامه می‌دهد و وقتی با یک رویداد مهم نمادین تحریک می‌گردد خود را در قالب افسردگی واقعی جلوه‌گری می‌سازد (سخاوت، ۱۳۶۸: ۱۳۰).

^{۱۷} - nordbi & kalloben

^{۱۸} - ABRAHAM & ZIGMOUND

نظریه انتقال فرهنگی

از این دیدگاه انحراف رفتاری است که در کنار دیگر رفتارهای از طریق ارتباط متقابل با سایر افراد فرا گرفته می‌شود، انحراف هم همانند هم‌نوایی آموختنی است و از فردی به فرد دیگر انتقال می‌یابد این اعتقاد از آنجا ناشی شده است که جامعه‌شناسان در اوائل قرن بیستم متوجه شدند که جرائم و انحرافات در مناطق یکسانی ادامه یافته است و انتقال رفتار جرم آمیز با تکرار ارتباط، مدت ارتباط، شدت و سن ارتباط، در ارتباط است. البته جامعه‌شناسانی نظیر کلووارد و اوهلین یاد گرفتن فنون ارتکاب جرم را یک امر لازم میدانند ولی آن را کافی نمی‌دانند.

«ساترلند» معتقد است که هیچ فردی منحرف به دنیا نمی‌آید و انسان‌ها در بدو تولد رفتارهای انحرافی را در خود ندارد و به مرور زمان از دیگر افراد فرا گرفته می‌شوند. ساترلند تأثیر تکرار، دوام، تقدم، شدت هنجارهای مجرمانه را نیز بر رفتار انحرافی مورد توجه قرار می‌دهد (صانعی، ۱۳۸۱: ۱۶۶).

«ساترلند»^{۱۹} به طور کلی در نظریه خود به دو عامل تکیه دارد: ۱- رفتار مجرمانه مانند هر گونه رفتار دیگر آموختنی است. ۲- رفتار مجرمانه از طریق ارتباط با موقعیت‌های موافق جرم آموخته می‌شود (سخاوت، ۱۳۶۸: ۳۷).

نظریه فشار ساختاری

از این دیدگاه اگر مردم در جامعه دچار انحراف می‌شوند این فشارهای اجتماعی است که مردم را به طرف انحراف سوق می‌دهد.

«دورکیم»^{۲۰} برای پدیده‌های اجتماعی دنبال علل اجتماعی بود و نقشی برای علل زیستی و روانی قائل نبود. «دورکیم» معتقد بود که عوامل اجتماعی از قبیل شرایط نامناسب خانواده، کمبود محبت، ناسازگاری والدین، طلاق، بزهکاری والدین، مهاجرت، مطبوعات، وسایل ارتباط جمعی، ضعف اعتقادات و باورهای دینی، وضع نامناسب اقتصادی خانواده، عوامل سیاسی و جنگ و... است که نقش تعیین کننده ای در بزهکاری اعمال مجرمانه افراد دارد» (دورکیم، ۱۳۶۹: ۹۳).

^{۱۹} - Sutherland

^{۲۰} - Durkim

پیشینه تحقیق

یافته های پاره ای از پژوهش های انجام گرفته در ایران به صورت خلاصه ارائه می شود: شهین دوخت مولاوردی دانشجوی رشته حقوق دانشگاه علامه طباطبائی در سال ۱۳۷۸-۱۳۷۷، موضوع پایان نامه خود را بررسی مسأله خشونت نسبت به زنان از جنبه حقوق بین الملل برگزیده است. برخی از نتایج این تحقیق به طور اختصار در زیر آورده شده است:

- هرگونه عدم موفقیت سازمان ملل در اجرا، اعتلا، حمایت و احترام به حقوق بشر، بر حقوق انسانی زنان و دختران

نیز تأثیر گذارده و آن ها را در مقابل انواع اجحاف ها و تبعیض ها و خشونت ها و ... فوق العاده آسیب پذیر می کند.

- به نظر می رسد تا زمانی که تغییرات اساسی در ساختار فرهنگی، نگرش ها، سنت ها، انگاره ها و آموزه های مردم سراسر جهان به وجود نیاید و تا زمانی که انسان و انسانیت تعریف درست خود را نیابند، زن به عنوان یک انسان مورد شناسایی قرار نگیرد رفع خشونت علیه زنان بیهوده و عبث است (مولاوردی، ۱۳۷۸: ۵۰).

مهرانگیز کار در تحقیقی به نام «پژوهشی در مورد خشونت علیه زنان در ایران در سال ۱۳۷۹» به بررسی خشونت علیه زنان پرداخته است. کار بعد از ذکر مقدماتی، انواع خشونت علیه زنان در ایران را مطرح می کند. خشونت در حوزه خصوصی، عمومی و درباره هر یک از انواع خشونت نمونه های گوناگونی را از پرونده های دادگستری مربوط به مسائل خانوادگی ارائه داده و با زنان و مردان مصاحبه نموده است (کار، ۱۳۷۹: ۵۰).

مرضیه عارفی، استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه در سال ۱۳۸۲ در تحقیقی به بررسی توصیفی خشونت خانگی علیه زنان در شهر ارومیه پرداخته است.

وی در این پژوهش ضمن بیان خشونت و انواع آن، پیامدهای مرتبط با خشونت را نیز بررسی کرده است. از پیامدهای مورد بحث در این پژوهش می توان به آسیب های جسمی، روانی، بهداشتی و اجتماعی، اشاره کرد (عارفی، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

محمد نریمانی با همکاری حمیدرضا آقا محمدیان، تحقیقی را در سال ۱۳۸۴ در مورد بررسی میزان خشونت مردان علیه زنان در خانوارهای ساکن در شهر اردبیل انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که خشونت روانی، اجتماعی و فیزیکی به ترتیب بیشترین نوع خشونت اعمال شده در خانواده‌ها است و مهم‌ترین پیامد آن ترس برای زنان می‌باشد (نریمانی و آقا محمدیان، ۱۳۸۴: ۱۰۷).

علائم فیزیکی ناشی از خشونت علیه زنان و شدت آن در زنان مراجعه کننده به مرکز پزشکی قانونی تهران در سال ۱۳۸۲ به عنوان پژوهشی است که شهلا نجفی دولت آباد با همکاری تعدادی از اساتید دانشگاه علوم پزشکی یاسوج انجام داده است. یافته‌ها نشان داد که در ضرب و جرح زنان می‌تواند مشکلات و عواقب زیادی به دنبال داشته باشد از جمله صدمات جسمی شامل: اختلال در ایفای نقش زنان به عنوان مادر و همسر، عوارض روحی و روانی شامل: بی‌حوصلگی و افسردگی، عدم رسیدگی به فرزندان و...، در نتیجه لازم است با توجه به عوارض ایجاد شده در خصوص آموزش به زوجین برای برقراری روابط سالم با یکدیگر و خانواده جهت جلوگیری در این معضل اجتماعی چاره اندیشی شود (نجفی دولت آبادی، ۱۳۸۲: ۳۰).

لیلا هاشمی نسب کارشناس ارشد مامائی، دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سال ۱۳۸۷ در مقاله ای به بررسی شیوع، پیامدها و عوامل مرتبط با خشونت فیزیکی خانگی در زنان بارداری پرداخت. این پژوهش نشان داد که ۵/۸٪ این زنان در دوران بارداری تحت خشونت فیزیکی قرار گرفته‌اند و بیشتر زنانی که تحت خشونت قرار گرفته‌اند زنان خانه دار و دارای وضعیت اقتصادی ضعیف و تحصیلات پایین بودند و حاملگی ناخواسته و سقط جنین از پیامدهای خشونت فیزیکی علیه زنان بود (هاشمی نسب، ۱۳۸۷: ۳۲).

در تحقیقی در ارتباط با خشونت از جانب زنان در سال ۱۹۹۳ اشتراس تأکید می‌کند که نادیده گرفتن خشونت از جانب زنان، باعث تداوم آن دسته از هنجارهای فرهنگی می‌شود که خشونت زناشویی را مجاز می‌شمارد. او همچنین خشونت جدی زناشویی که منجر به جراحت می‌شود را به طور آشکار در مردان بیشتر می‌داند.

در همان سال دکسردی و کلی^{۲۱} با استفاده از Cts شیوع تجاوز به زنان توسط مردم از زمان دبیرستان را ۱۷/۸ درصد و قربانی شدن زنان را تقریباً ۳۵ درصد گزارش کرده‌اند به عنوان پیامدهای آزار، زنان کتک خورده طیف وسیعی از علائم آسیب شناسی روانی و مشکلات جسمی درازمدت را تجربه می‌کنند. افسردگی، اختلال استرس پس از ضربه، و سوء مصرف مواد از یک سو و احساس بی‌کفایتی و فقدان عزت نفس و خشونت خصمانه از سوی دیگر، پیامدهای خشونت نسبت به زنان است که برگ^{۲۲} در سال ۱۹۹۴ در تحقیقی مرتبط با پیامدهای خشونت علیه زنان به این موارد اشاره کرده است (آزادمهر و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۰۸).

چارچوب نظری تحقیق

در تحقیق حاضر، جهت تبیین پیامدهای روانی - اجتماعی مرتبط با خشونت علیه زنان خانه دار از نظریه اسناد، ویلیام گلاسر و یادگیری اجتماعی استفاده شده است..

نظریه اسناد:

اسناد^{۲۳} در فرآیند پردازش^{۲۴} یا درک خصایصی اشاره دارد که حالت وضعیتی دارند. نظریه اسناد، فرآیندهایی را توضیح می‌دهد که افراد در آن‌ها مفاهیم، تمایلات و صفات پایداری را جستجو کرد و به دست می‌آورند. در خصوص همسر آزاری شواهد گسترده حاکی از آن است که پابندی همسران به وقایع زندگی، تابعی از رضایت و خشنودی زناشویی آنان است؛ مخصوصاً همسرانی که تحت اضطراب هستند، احتمال زیادی دارد که مشکلات زناشویی و رفتارهای منفی همسرشان را به خصایص ثابت و کلی همسرشان نسبت داده و رفتارهای منفی، دارای انگیزه‌های بدخواهانه و مستحق سرزنش بدانند. یکی از پیامدهای اسنادی نامناسب، کاهش کیفیت زناشویی است که خود رابطه مستقیمی با خشونت زنان دارد (کارنی و همکاران^{۲۵}، ۱۹۷۷: ۴۱۳).

^{۲۱} - Dekeseredy & Kelly

^{۲۲} - Berg

^{۲۳} - Attribution

^{۲۴} - processing

^{۲۵} - Carney et al

نظریه ی ویلیام گلاسر^{۲۶}

گلاسر، افسردگی و مشکلات روانی را محصول نادیده گرفتن و انکار واقعیت می شمارد. گلاسر می گوید فردی که واقعیت را منکر می شود خود، از انکارش آگاه است. ولی برای فرار و دوری جستن از درد و رنج و تلخ کامی ناشی از احساس بی ارزش بودن، بدان متوسل می شود. همچنین گلاسر رفتار غیر مسؤولانه را مطرح می کند و می گوید رفتار غیر مسؤولانه موجب بروز اضطراب، افسردگی و اختلال روانی می شود و اشتباه است اگر بپنداریم رفتار غیر مسؤولانه این افراد نتیجه ی اختلال آن هاست بلکه باید گفت رفتار غیر مسؤولانه علت و منشأ مشکلات آن ها بوده است (شاملو، ۱۳۷۷: ۷۷).

نظریه یادگیری اجتماعی^{۲۷}

به اعتقاد باندورا، فرزندان با نگاه به والدین، یاد می گیرند که چگونه خشونت نمایند. خشونت هایی که افراد در بزرگسالی مرتکب می شوند ریشه در دوران کودکی دارد. حتی بیان می شود که خشونت، از خشونت، زاده می شود (اعزاز، ۱۳۸۰: ۲۱).

چنان چه محیط خانواده، بستر مشاجرات و پرخاشگری باشد، این محیط نقش قطعی در رفتار خشونت آمیز و افت تحصیلی فرزندان دارد و چرخه خشونت را جاودانه می کند. اگر فرد در دوران کودکی در یک خانواده پر هرج و مرج زندگی کرده باشد و والدینش مدام ناهماهنگی داشته باشند، میل به توهین و خشونت علیه همسر در وی افزایش می یابد (شایس، ۱۳۷۷: ۱۵۴).

بنابراین نظریه یادگیری اجتماعی بر آن است که افراد وقتی در خانواده های خشن رشد می کنند، خشونت را یاد می گیرند (شهنی بیلاق، ۱۳۷۶: ۴۹).

فرضیه های تحقیق

فرضیه کلی:

بین پیامدهای روانی - اجتماعی مرتبط با خشونت علیه زنان خانه دار شهر مشهد در سال ۸۹-۱۳۸۸ رابطه وجود دارد.

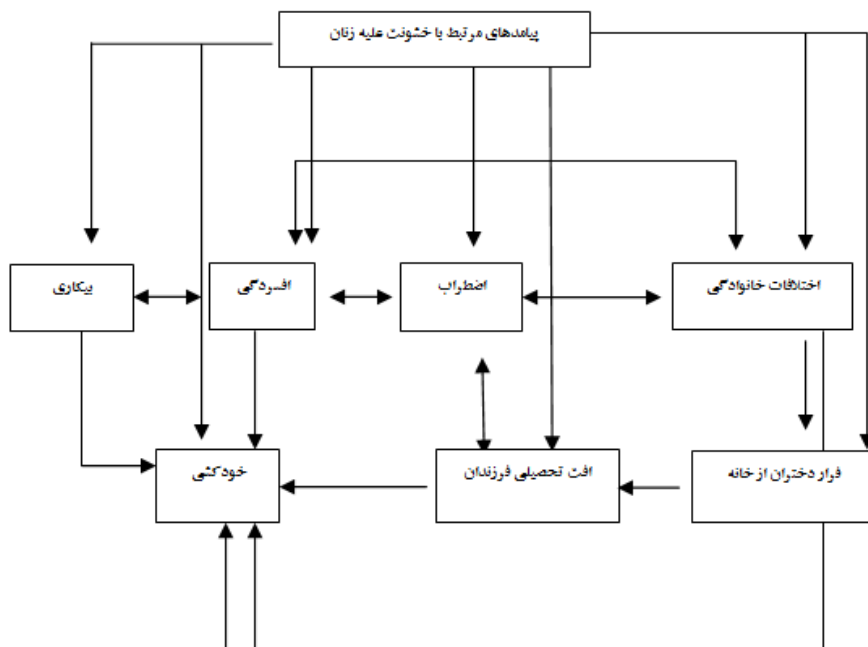
^{۲۶} - William Glaser

^{۲۷} - Social control theory

فرضیه های جزئی:

- ۱- بین خشونت علیه زنان خانه دار با افسردگی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین خشونت علیه زنان خانه دار با اضطراب رابطه وجود دارد.
- ۳- بین خشونت علیه زنان خانه دار با بیکاری رابطه وجود دارد.
- ۴- بین خشونت علیه زنان خانه دار با اختلافات خانوادگی رابطه وجود دارد.
- ۵- بین خشونت علیه زنان خانه دار با افت تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد.

مدل تحلیلی تحقیق



شکل شماره ۱- مدل تحقیق مأخذ: یافته های پژوهش

روش تحقیق

در این تحقیق، از روش پیمایشی بهره گرفته شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی زنان خانه دار مراجعه کننده به پزشکی قانونی شهر مشهد می باشد و نمونه گیری مورد نظر، تصادفی است و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۶۵ نفر محاسبه شده است، همچنین گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه صورت گرفته است.

محاسبه روایی و پایایی پرسشنامه

جهت تعیین روایی داده‌ها از روش اعتبار محتوا^{۲۸} استفاده شد. بدین طریق که روایی صوری پرسشنامه به تأیید اساتید روانشناسی و جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت رسید. برای تعیین پایایی آن از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که مقدار آن ۰/۷۶٪ محاسبه شده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از گردآوری اطلاعات به وسیله پرسشنامه این داده‌ها و اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که داده های آماری در قالب آمار توصیفی شامل؛ جداول، نمودارها و در بخش آمار استنباطی آزمون‌های آماری مختلف مانند (ضریب همبستگی پیرسون و کای اسکور) استفاده شده است.

یافته ها

فرضیه اول: بین خشونت علیه زنان خانه دار و افسردگی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱- همبستگی اسپیرمن رابطه بین خشونت علیه زنان خانه دار و افسردگی

Correlations				
افردگی	خشونت	همبستگی اسپیرمن		Spearman's rho
		Correlation Coefficient	خشونت	
۰/۱۷۷*	۱,۰۰۰	Correlation Coefficient		
۰/۰۲۹	.	Sig. (۲-tailed)		
۱۵۳	۱۵۸	N		
۱,۰۰۰	۰/۱۷۷*	Correlation Coefficient	افردگی	
.	۰/۰۲۹	Sig. (۲-tailed)		
۱۵۳	۱۵۳	N		

*. Correlation is significant at the ۰,۰۵ level (۲-tailed).

^{۲۸} - content validity

H_0 : بین خشونت علیه زنان خانه دار و افسردگی رابطه وجود ندارد
 H_1 : بین خشونت علیه زنان خانه دار و افسردگی رابطه وجود دارد
 با توجه به جدول بالا و محاسبه $\text{sig} = 0,029$ بین خشونت علیه زنان خانه دار و افسردگی رابطه وجود دارد. بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود.
 فرضیه دوم: بین خشونت علیه زنان خانه دار و اضطراب رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۲- همبستگی اسپیرمن رابطه بین خشونت علیه زنان خانه دار و اضطراب

Correlations				
اضطراب	خشونت	همبستگی اسپیرمن		
		Correlation Coefficient	خشونت	Spearman's rho
۰/۳۳۲*	۱,۰۰۰	Sig. (۲-tailed)		
۰/۰۰۰	.	N		
۱۵۸	۱۵۸			
1.000	۰/۳۳۲**	Correlation Coefficient	اضطراب	
.	۰/۰۰۰	Sig. (۲-tailed)		
۱۶۴	۱۵۸	N		
*. Correlation is significant at the ۰,۰۵ level (۲-tailed).				

H_0 : بین خشونت علیه زنان خانه دار و اضطراب رابطه وجود ندارد
 H_1 : بین خشونت علیه زنان خانه دار و اضطراب رابطه وجود دارد
 با توجه به جدول بالا و محاسبه $\text{sig} = 0,000$ بین خشونت علیه زنان خانه دار و اضطراب رابطه وجود دارد. بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود.
 فرضیه سوم: بین خشونت علیه زنان خانه دار و بیکاری رابطه وجود دارد

جدول شماره ۳- همبستگی اسپیرمن رابطه بین خشونت علیه زنان خانه دار و بیکاری

Correlations				
بیکاری	خشونت	همبستگی اسپیرمن		
		Correlation Coefficient	خشونت	Spearman's rho
۰/۲۳۶*	۱,۰۰۰	Sig. (۲-tailed)		
۰/۰۳۵	.	N		
۸۰	۱۵۸			
۱,۰۰۰	۰/۲۳۶**	Correlation Coefficient	بیکاری	
.	۰/۰۳۵	Sig. (۲-tailed)		
۸۱	۸۰	N		
*. Correlation is significant at the ۰,۰۵ level (۲-tailed).				

H_0 : بین خشونت علیه زنان خانه دار و بیکاری رابطه وجود ندارد
 H_1 : بین خشونت علیه زنان خانه دار و بیکاری رابطه وجود دارد

با توجه به جدول بالا و محاسبه $\text{sig} = 0,035$ بین خشونت علیه زنان خانه دار و بیکاری رابطه وجود دارد. بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود.

فرضیه چهارم: بین خشونت علیه زنان خانه دار و اختلافات خانوادگی رابطه وجود دارد. جدول شماره ۴- همبستگی اسپیرمن رابطه بین خشونت علیه زنان خانه دار و اختلافات خانوادگی.

Correlations				
خشونت		ضریب همبستگی اسپیرمن		
اختلافات خانوادگی	۰/۳۱۶**	Correlation Coefficient	خشونت	Spearman's rho
	۱,۰۰۰	Sig. (۲-tailed)		
	۰/۰۰۰	N		
	۱۵۸	Correlation Coefficient	اختلافات خانوادگی	
	۰/۳۱۶**	Sig. (۲-tailed)		
	۱,۰۰۰	N		
	۰			
	۱۶۳			

*. Correlation is significant at the ۰,۰۵ level (۲-tailed).

H_0 : بین خشونت علیه زنان خانه دار و اختلافات خانوادگی رابطه وجود ندارد

H_1 : بین خشونت علیه زنان خانه دار و اختلافات خانوادگی رابطه وجود دارد

با توجه به جدول بالا و محاسبه $\text{sig} = 0,000$ بین خشونت علیه زنان خانه دار و اختلافات خانوادگی رابطه وجود دارد. بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود.

فرضیه پنجم: بین خشونت علیه زنان خانه دار و افت تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد. جدول شماره ۵- همبستگی اسپیرمن رابطه بین خشونت علیه زنان خانه دار و افت تحصیلی.

Correlations				
افت تحصیلی فرزندان		همبستگی اسپیرمن		
خشونت	۰/۹۵۰**	Correlation Coefficient	خشونت	Spearman's rho
	۱,۰۰۰	Sig. (۲-tailed)		
	۰/۰۰۰	N		
	۷۹	Correlation Coefficient	افت تحصیلی فرزندان	
	۰/۹۵۰**	Sig. (۲-tailed)		
	۱,۰۰۰	N		
	۰			
	۸۱			

** Correlation is significant at the ۰,۰۱ level (۲-tailed).

H_0 : بین خشونت علیه زنان خانه دار و افت تحصیلی فرزندان رابطه وجود ندارد

H_1 : بین خشونت علیه زنان خانه دار و افت تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد

با توجه به جدول بالا و محاسبه $\text{sig} = 0,000$ بین خشونت علیه زنان خانه دار و افت تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد. بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود.

نتیجه گیری

بر اساس آزمون همبستگی اسپیرمن و کای اسکوتر نتایج حاصل از فرضیه‌ها نشانگر آن است که در سطح $P < 0/05$ فرضیه اول معنی دار است و فرضیه صفر (H_0) رد می‌شود و در نتیجه بین خشونت علیه زنان خانه دار و افسردگی رابطه وجود دارد، لذا فرضیه فوق تأیید شده و متغیرها دارای رابطه منفی می‌باشد. فرضیه دوم در سطح $P < 0/01$ معنی دار است و فرضیه صفر (H_0) رد می‌شود بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین خشونت علیه زنان خانه دار و اضطراب رابطه معنی دار وجود دارد و فرضیه فوق تأیید شده است.

فرضیه سوم در سطح $P < 0/05$ معنی دار است و فرضیه صفر (H_0) رد می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین خشونت علیه زنان خانه دار و بیکاری رابطه وجود دارد و فرضیه فوق تأیید می‌شود. و فرضیه چهارم در سطح $P < 0/01$ معنی دار است بنابراین فرضیه صفر (H_0) رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که بین خشونت علیه زنان خانه دار و اختلافات خانوادگی رابطه وجود دارد و فرضیه فوق تأیید می‌شود.

فرضیه پنجم در سطح $P < 0/01$ معنی دار است، فرضیه صفر (H_0) رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که بین خشونت علیه زنان خانه دار و افت تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد و فرضیه فوق تأیید می‌شود.

با توجه به نتایج حاصله از فرضیات فوق این طور به نظر می‌رسد که خشونت علیه زنان مشکل پیچیده‌ای است که بدون همکاری و هماهنگی مؤسسه‌های درمانی، قضایی، پلیس، خدمات بهزیستی و سایر نهادهای مردمی و دولتی نمی‌توان با آن مقابله کرد. مادامی که کمک‌رسانی به قربانیان خشونت از طریق مؤسسه‌ها فوق‌انجام‌نپذیرد چرخه خشونت به قوت خود باقی می‌ماند و عمل می‌کند، هزینه‌های ناشی از خشونت علیه زنان هنگفت است زیرا به ناتوانی بخشی از نیروهای انسانی می‌انجامد که خود به تنهایی خسارت ملی است افزون بر آن هزینه‌های امداد پزشکی، خدمات روان پزشکی، قضایی و پلیس را نیز شامل می‌شود.

بهترین شیوه صرفه جویی هزینه‌ها این است که برای پیشگیری از خشونت سرمایه گذاری مطلوب شود که آن هم عبارت است از: بهره گیری از منابع انسانی و نیروهای داوطلب جامعه با هدف پیشگیری از خشونت که هرگاه با عزم ملی برای رفع آثار و تبعات زیان بار مالی و روانی ناشی از وقوع جرم همراه باشد بسیار سودمند است در حال حاضر ضرورت مبارزه ای هماهنگ برای کنترل خشونت علیه زنان در مراکز مشاوره مورد توجه قرار گرفته است و باعث شده تا تجربیات و راهکارهای بهتری را ارائه دهند.

پیشنهادها

در زمینه های آموزشی و فرهنگی می توان با افزایش حساسیت و آگاهی های لازم در مورد خشونت خانوادگی به خصوص نسبت به زنان و تغییر نگرش مردان نسبت به زنان و توانمندسازی مردان در کنترل خشم خود و اطلاع رسانی موثر به زنان در خصوص حقوق آنها سعی در کاهش این پدیده کرد. همچنین با تغییر قوانین کشور جرم محسوب کردن همسر آزاری و تعیین مجازات برای آنان و نیز استفاده بهینه از رسانه های گروهی به منظور کاهش برنامه های خشونت آمیز می توان قدم های مؤثری در این خصوص برداشت.

از دیگر اقدامات ایجاد مراکز مشاوره است که زنان آزار دیده بتوانند از تسهیلات مشاوره ای و نیز بیان مشکلات خود استفاده بکنند.

- شناخت علل پدید آورنده خشونت های خانوادگی از جمله فقر اقتصادی و فرهنگی، اعتیاد، بیکاری، و طلاق والدین، ازدواج مجدد والدین و... و تلاش در جهت حذف آنها از خانواده
- فرهنگ سازی برای تقویت جایگاه و ارزش های انسانی
- استفاده از بستر خدمات آموزشی - بهداشتی جهت درک و کاهش خشونت در خانواده
- آموزش دختران جوان و نوجوانان برای نحوه گزینش همسر، مشاوره قبل از ازدواج و رعایت تفاوت ها اقتصادی - اجتماعی در امر ازدواج .
- ایجاد سیستم تأمین اجتماعی به ویژه برای زنان خانه دار .

منابع

- آزادمهر، ه و دیگران. (۱۳۸۲)، شیوع الگوی خشونت خانوادگی، ارکتاب یا تجربه آن در مردان و زنان. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۱، صفحه ۲۰۸-۲۰۸.
- انزازی، ش. (۱۳۷۶)، جامعه شناسی خانواده. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- انزازی، ش. (۱۳۸۰)، خشونت خانوادگی- زنان کتک خورده. تهران: نشر سالی.
- دورکیم، ا. (۱۳۶۹)، خودکشی. ت:ن، سلیمان زاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- سختوت، ج. (۱۳۶۸)، نظریه های جامعه شناسان درباره علل پیدایش آسیب های اجتماعی، مقاله اولین آسیب های اجتماعی ایران، سازمان بهزیستی.
- شولتز، دوان، شولتز، سیدنی. (۱۳۷۵)، تاریخ روانشناسی نوین. ت: ع. ا. سیف، و دیگران. چاپ سوم، تهران: نشر رشد.
- شاملو، س. (۱۳۷۷)، مکتب ها و نظریه ها در روانشناسی شخصیت. چاپ ششم، تهران: انتشارات تهران.
- شایب، ن. (۱۳۷۷)، جنبه های روانی ضرب و شتم در خانواده. ت: م. قراچه داغی، تهران: انتشارات علمی.
- شهنی بیلاق، م. (۱۳۷۶)، رابطه برخی عوامل جمعیت شناختی با خشونت مردان نسبت به همسران خود در اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره های ۱ و ۲، صفحه ۴۵.
- صانعی، پ. (۱۳۸۱)، جامعه شناسی ارزش ها. تهران: نشر گنج دانش.
- عارفی، م. (۱۳۸۲)، بررسی توصیفی خشونت خانگی علیه زنان در شهر ارومیه. فصلنامه مطالعات زنان، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء، شماره ۲، صفحه ۱۰۱-۱۰۱.
- کار، م. (۱۳۷۹)، پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران. فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۳، صفحه ۵۰-۵۰.
- کار، م. (۱۳۸۰)، پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- مولودری، ش. (۱۳۷۸)، بررسی مسأله خشونت نسبت به زنان از جنبه حقوق بین الملل. فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۳، صفحه ۵۰-۵۰.
- نجفی دولت آبادی، ش. (۱۳۸۲)، بررسی علائم فیزیکی ناشی از خشونت علیه زنان و شدت آن در زنان مراجعه کننده به پزشکی قانونی تهران. مجله علمی پزشکی قانونی، شماره ۱، صفحه ۳۰-۳۰.
- نریمانی، م و آقا محمدیان، ح. ر. (۱۳۸۴)، بررسی میزان خشونت مردان علیه زنان در خانوارهای ساکن در شهر اردبیل. فصلنامه اصول بهداشت روانی، شماره ۲۷ و ۲۸، صفحه ۵۲-۵۲.
- نوردی، و و هال، ک. (۱۳۷۷)، راهنمای زندگی نامه و نظریه های روانشناسی بزرگ، چاپ دوم، ت: ا. به پژوهز. دولتی. تهران: انتشارات رشد.
- هاشمی نسب، ع. (۱۳۸۷)، بررسی شیوع، پیامدها و عوامل مرتبط با خشونت فیزیکی در زنان باردار. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، شماره ۳۲ و ۳۳، صفحه ۳۲-۳۲.

منابع لاتین

- Anderson, K. L. (1997). Gender, status and domestic violence: an integration of feminist and family violence approach. *Journal of marriage and the family* 59: 653-670.
- Johnston M. E. (1988). "Correlate of early violence experience among men who are abusive toward family mates". In M. A. Straus (Eds), *family abuse and its consequences: new directions in research*, edited by G. J. Hotaling et al, newbury park, c. 4: sage.
- Karney, B. R., Bradbury T. N. Fincham, F. D. Sullivan, K. T. (1994). The role of negative affectivity in the association between attributions and marital satisfactions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 66 (2):413-424.
- Reynolds, P. D. (1997). *A primer in theory construction*, Indian: Bobbs- Merrill Education publishing.
- Straus, M. A. (1977). "A sociological perspective on the prevention and treatment of wife beating" in *Battered woman: A psycho-social biological study of Domestic violence*, edited by m. Roy. New York: Van Nostrwk1 Reinhold, 194-239.
- Viano. E. C. (1992), *violence among indimat zssnes and Approaches in zntimate violence. Perspectives*, edited by E. C. viano Philadelphia hemisphere publishing.
- Walker, L. E (1979). *The battered woman*. New York: Harper and Row.